

متی و انجیل وی

انجیل کلیسایی

وقتی که پس از مطالعه انجیل مرقس یا انجیل لوقا به مطالعه انجیل متی می پردازیم احساس می کنیم که منظره تغییر کرده است، گویی پس از گذر از گردنه کوهی وارد دره دیگری می شویم. با خواندن انجیل متی گاهی این احساس به ما دست می دهد که ما عیسای ناصری را از نظر پطرس می بینیم. در انجیل مرقس هرگز روشن نیست که آیا آنچه می گذرد در کنار دریاچه جلیل (طبریه) در سال ۳۰ میلادی است یا در یک کلیسای مسیحی مربوط به سالهای ۸۰-۹۰ میلادی، و حتی به نظر می رسد که ما در عین حال در هر دو جا حضور داریم: متی بیش از دیگران عیسی تاریخی را از میان خصوصیات شخص رستائیز کرده می بیند که جامعه خود را در جنب و جوش نگه داشته و به آن تعلیم می دهد که چگونه آیین عبادت خود را برگزار نماید و زندگی روزمره خود را بر اساس ایمان بگذراند. شاید به همین علت است که این انجیل نگار بیش از دیگر انجیل نگاران مورد بررسی پدران اعظم کلیسا واقع شد و نیز هم او بود که به طرز گسترده ای در بخشیدن سیمای سنتی خاص به مسیحیت کمک نموده است.

بنابراین ما در این قسمت از کتاب، انجیل متی را که به «انجیل کلیسایی» معروف شده است مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

در این فصل ما با جامعه متی و نیز با روش نگارش و طرز کار نگارنده آشنا خواهیم شد. راهنمای انجیل که در این فصل آورده می شود مطالعه انجیل را تسهیل خواهد نمود.

در بقیه فصول خود متن انجیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مقصود از تدوین این کتاب تهیه وسیله و ابزاری است برای مطالعه بهتر متون انجیلی در تنهایی یا به صورت گروهی.

متی بیش از دیگر انجیل نگاران ریشه ایمان خود به شخص رستائیز کرده را در سرزمین حاصلخیز از ایمان یهودی دوانیده است.

ما ظاهر کردن این جوهر روحی را جالب دانسته ایم و در این کار دو خواهر روحانی به نام لویی ماری و دومنیک به ما کمک کرده اند. بنابراین در هر فصل صفحه ای حاوی متون مهم دعای یهودی خواهیم داشت.

چگونه از این فصل استفاده نمایید؟- شما می‌توانید در کمال آرامش (که چندان مشکل نیست) نکات ویژه متی را که در اینجا ذکر شده است با خط کشیدن زیر آنها مشخص کنید سپس کتاب مقدس را برداشته و تمام انجیل متی را بخوانید (از اوقات بی‌کاری خود استفاده کنید چون این کار حداقل دو ساعت وقت لازم دارد). البته عادت ما بیشتر بر این است که قطعات یا مقاله‌های کوتاه را مطالعه کنیم. اما آشنایی با تمام این اثر بدون شک یکی از بهترین طرق برای وارد شدن به مطالب آن است. امتحان کنید: بشیمان نخواهید شد.



این مطلب از انجیل متی است!

با شنیدن نقلی از رادیو غالباً از روی صدا یا نحوه صحبت کردن فوراً می‌گوییم «گوش کن، فلانی دارد صحبت می‌کند» اما آیا با شنیدن قطعه‌ای از انجیل می‌توانیم بگوییم: «این قطعه از انجیل متی... یا از انجیل مرقس است؟» در هر صورت هر انجیل نگار صاحب شیوه‌ای مخصوص به خود و طریقی ویژه برای نشان دادن یک صحنه و طرزی خاص برای نقل یک مباحثه می‌باشد. در این قسمت از کتاب ما طرز شناختن متی را بهتر یاد خواهیم گرفت. پس بیایید قدری با او آشنا شویم.

کلیسایی که جشن می‌گیرد

موقعی که انجیل متی را می‌گشاییم این احساس به ما دست می‌دهد که به کلیسا قدم می‌گذاریم. بسیاری از کسانی که به عیسی نزدیک می‌شوند در مقابل او به نشانه پرستش به سجده درمی‌آیند (متی این حرکت را سیزده بار نقل می‌نماید در صورتی که در انجیل مرقس و لوقا این حرکت فقط دو بار مشاهده می‌گردد). آنها جملاتی را که از آیین عبادت آمده است و یا جملاتی را که آیین عبادت از سر گرفته است به او خطاب می‌کنند: «ای خداوند اگر بخواهی می‌توانی مرا طاهر سازی» (متی ۸: ۲): «خداوندا! ما را نجات ده! داریم هلاک می‌شویم»: (متی ۸: ۲۵): «خداوندا مرا نجات ده!» (متی ۱۴: ۳۰): «فی الحقیقه تو پسر خدا هستی» (متی ۱۲: ۳۳)...

زندگی روزمره با جزئیات گیرای خود با رنگ‌های زنده طبیعت و شوخی‌های جالب فاصله‌چندانی از ما ندارند اما چیزی که از آن به گوش می‌رسد فقط انعکاس گوش خراش آن است.

برای بازیافتن کامل احساس زندگی بایستی به سخنان مرقس گوش فرا دهیم زیرا متی برای این که از مطلب اصلی منحرف نشود قسمتی از آن را حذف نموده است: در انجیل متی مثلاً در مثل زیاد کردن تانها، از «علف سبز» و از «بالشی» که عیسی در قایق بر روی آن خوابیده بود و از «پولی که (به وسیله زن مریض) بیهوده خرج شده بود» سخنی در میان نیست.

صحنه های زندگی عیسی نیز به گونه ای بسیار خلاصه نقل شده اند. متی در روایات مربوط به معجزات فقط با دو نفر سر و کار دارد: عیسی و کسی که از وی طلب شفا می کند که نماد هر یک از ماست. بدین ترتیب مثلاً وقتی که مادر زن پطرس بیمار است عیسی خود به سراغ وی می آید، دستش را می گیرد و او را برمی خیزاند و زن شفا یافته به خدمتگزاری او مشغول می شود (۸: ۱۴-۱۵). این صحنه را با روایت برجسته مرقس (۱: ۲۹-۳۱) مقایسه نمایید.

يك موعظه

خطابه های عیسی در انجیل متی بیشتر و طولانی تر از خطابه های وی در انجیل لوقا و به خصوص انجیل مرقس می باشد و این خطابه ها به سهولت به سبک موعظه های اجتماع عبادتی درمی آید.

ساختار آنها بسیار خوب است. این خطابه ها همانند تعلیمات خوب مذهبی حاوی جواذب ملموس و عملی می باشند متی جملاتی را که انجیل نگاران دیگر نقل کرده اند جهت فراهم کردن تعلیمات کامل تر به طرز دیگری دسته بندی نموده است. این امر علامت یک واعظ خوب است، البته ممکن هم هست که این امر برای کسانی که می خواهند درباره مطلبی همه چیز را بگویند عیب به شمار آید....

جامعه

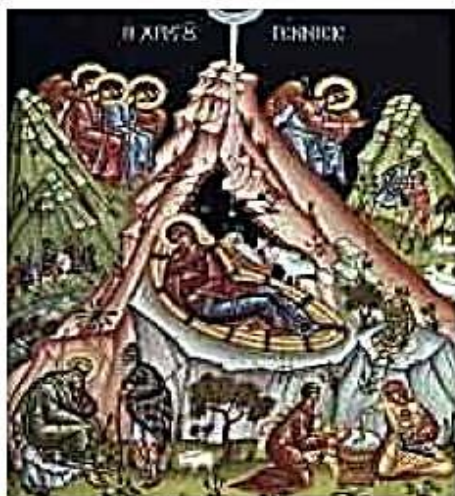
به دفعات به هنگام تماس با مسؤولین جوامع مسیحی، پس از قرائت قطعه ای از انجیل مرقس یکی از مرشدان چنین اظهار نظر می کرده است: «خوب درک می کنم که در اجتماع متی چه می گذشته و چرا متی خواسته است آن وقایع را نقل نماید...» درواقع کلیسایی که متی ما را با آن آشنا می سازد خالی نیست حضور جامعه مسیحی در آن کاملاً محسوس می باشد. متی نمی خواهد تنها آنچه را که «در آن زمان» روی داده است نقل نماید او می داند که «هرگاه دو یا سه نفر به نام عیسی جمع شوند او در میان آنها خواهد بود» (متی ۱۸: ۲۰)، و شخص از مرگ برخاسته در میان جامعه ای که به صحبت می نشینند حضور دارد و کلام وی زندگی عادی و ملموس مسیحیان را غنی می سازد.

عیسی درخواست می کند که انسان بخشش را پیشه سازد... او روشی را که باید جهت

تشویق برادری برای آشتی با جامعه در پیش گرفته شود دقیقاً شرح می دهد. او استقبالی را که باید از «کوچکان» به عمل آورده شود خاطر نشان می سازد... در همین حال می توانید حدس بزنید که در آن موقع در کلیسا چه رقابتهایی به وجود آمده بود و چه مشاجرات حضوری جریان داشت (متی باب ۱۸)، با مطالعه این انجیل به آسانی ظواهر دیگر زندگی کلیسا را خواهید یافت. این جامعه یک کیفیت ویژه ای از زندگی مسیحی را دارا بوده و با نوشته های مقدس آشنایی یافته است. نوشته های مقدس مرجع قدرت را تشکیل می دهند و نوآوری عیسی باید ظاهراً با آن و در ادامه آن باشد. بدین ترتیب ساختار کنونی آیین کلام را همچون مليله طریقی می یابیم چون متن عهدعتیق در قطعه های انجیل انعکاس پیدا می کند. انجیل متی را انجیل کلیسایی نامیده اند. مشاهده می شود که این انجیل بیش از انجیل دیگر از مقابله مداوم بین زندگی مسیحیان و خاطراتی که از استاد محفوظ مانده، زاده شده است.

امروز هم با مطالعه انجیل متی ما در عین این که به کشف مسیح نائل می شویم نحوه ای را که توسط آن کلیسا مایل بود نسبت به وی وفادار بماند درمی یابیم.

همچون در ارتباط با نقاشیها هر انجیل نگار سبک نگارش و تعمق خود را دارد و با دقت بر متن و متن انجیل می توان نویسنده متن را تشخیص داد.



ربی

کلمه ربی یهودی است. این کلمه که از ریشه «رآب» معنای «بزرگ بودن» مشتق می‌شود در موارد مختلف معنای «بزرگترین، رئیس من، معلم من» را به خود می‌گیرد ولی هیچ وقت به صورت «ربی کنیسه» در نمی‌آید.

این کلمه در کتاب عهدعتیق دیده نمی‌شود اما در متون مکتب فریسی گاهی به صورت «ربی» یا «ربان» مشاهده می‌گردد: در آغاز عصر ما این وجه تسمیه احترام آمیز هرگز به صورت «ربی کنیسه» در نیامده است. در کتاب عهدجدید این کلمه به دو فرم یعنی «ربی» و «ربوتی» به عیسی یا یحیی تعمیددهنده خطاب می‌شود (مر ۹:۵؛ یو ۳:۲۶). به علت این که هر دوی آنها بشارت دهنده بودند این کلمه معنای «استاد تعلیم دهنده» را پیدا می‌کند (یو ۱:۲۸).

بعد از سال ۷۰ میلادی اوضاع صورت دیگری به خود گرفت، فریسیان که تنها در مدارس خود دارای تشکیلات بودند مجبور شدند تمام امور مربوط به زندگی امت خود را بر دوش بگیرند، یعنی آیین‌های کنیسه‌ها را رهبری کنند. کودکان را تعلیم دهند و مشاجرات را داوری کنند، به عبارت دیگر این امر به معنای برعهده گرفتن نقش کاهن بزرگ و شورای بزرگ یهود بود.

در همان موقع بود که رسوم موجود از قبل که هدفشان تعیین اعتبار و لیاقت رهبران کنیسه‌ها بود الزامی گردید، به قرار زیر:

۱- دستگذاری یک استاد بر شاگرد خود به نشانه اتحاد بین آنها و انتقال قدرت.
۲- تعیین یک رهبر توسط شورای کنیسه‌ها که در عین حال شورای اداری و دادگاه نیز می‌بود.

دارا بودن این اعتبار دوگانه برای این که شخصی بتواند «ربی» نامیده شود الزامی بود آنگاه بود که عبارت «ربی این کنیسه» معمول شد.

ربانیت به همین صورتی که امروز هم عمل می‌شود بنا نهاده شده بود. ربی کاهن نیست بلکه «عضوی از جامعه‌ای است که به شناخت عمیق تمام سنتهای یهودی دست یافته و ربی (یا استاد) بودن به وسیله همقطاران وی بر او «حکم» شده است. او رئیس روحانی جامعه می‌باشد که ایمانداران را به ویژه توسط موعظه‌های خود تعلیم می‌دهد و کسی است که گاهی علاوه بر این آنها را در اجرای شریعت راهنمایی می‌کند.

جامعه متی

زمانی از «مکتب متی» سخن بسیار گفته می‌شد: در این صورت این انجیل می‌بایستی نوعی دستورالعمل باشد ملهم از مکاتب ربانی یهودی که برای پرورش دادن سران جوامع مسیحی، این مأموران تعلیم تعمیدخواستگان، منظور شده باشد. حتی اگر چنین مکتبی هرگز وجود نداشته انجیل متی اثری است که در محیط یهودی مسیحی جهت جوامعی که با جهان یهود در تماس دائمی بودند به وجود آمده است.

يك جو بسیار یهودی

عبارت «تا آنچه که انبیاء گفته‌اند تحقق یابد» در انجیل متی در پی بسیاری از اعمال و سخنان عیسی به صورت تقریباً یک آهنگ تکراری که مقدمه نقل قولهای بسیاری از عهدعتیق می‌باشد دیده می‌شود.

او این مأخذی را که «نقل قولهای تحقق» نامیده می‌شوند دوست دارد. آنها را در انجیل طفولیت به فراوانی می‌توان یافت (متی ۱: ۲) و همچنین در قسمت اول خدمتگزاری عیسی (ر. ک ۴: ۱۵-۱۶، ۸: ۱۷، ۱۲: ۱۸-۲۱، ۱۳: ۳۵...) نیز دیده می‌شود.

آنها نه همیشه از متن یهودی یا از برگردان یونانی «هفتادتنان» گرفته شده‌اند بلکه غالباً از «تارگوم»ها که عبارت بودند از ترجمه‌هایی به زبان آرامی که در کنیسه‌ها انجام می‌گرفتند اخذ می‌شدند. در نوشته‌های متی انجیل نگار، زندگی جوامع یهود گویی از پشت حائلی نمایانده می‌شود.

متی برخلاف مرقس، آداب یهودیان را که مورد ارجاع اوست تشریح نمی‌کند (فی المثل متی ۱: ۱۵-۲ را با مرقس ۷: ۱-۵ مقایسه نمایید). او فرض می‌کند که خوانندگان نوشته‌های وی با این مطالب آشنایی دارند. در بیشتر موارد و بیش از انجیل نگاران دیگر مقام «پسر داود» را که مقامی است کاملاً یهودی به عیسی نسبت می‌دهد. او کلمات یهودی یا آرامی را در متن خود می‌آورد (مثلاً «راقا» در متی ۵: ۲۲). و به عادات یهودی اشاره می‌کند (فی المثل بردن هدیه به قربانگاه در متی ۵: ۲۲ و پرداخت عشر در متی ۲۳: ۲۳). به طور خلاصه او درست مثل یک ربی صحبت می‌کند. البته ربی‌ای که شاگردی عیسی مسیح را پذیرفته است!

محیطی مملو از مشاجره

در هر حال متی نسبت به یهودیان هیچ لطف و مهربانی نشان نمی‌دهد! سخنان تلخ و خشن برعلیه فریسیان (متی ۲۳: ۱-۳۶) در انجیل متی طولانی‌تر و جدی‌تر از انجیل مرقس و لوقا می‌باشد. متی تنها کسی است که جمله هول‌انگیزی را که گرایش وسیعی از ضدیهودیت را در بینش به اصطلاح مسیحی برانگیخت در دهان ساکنان اورشلیم قرار می‌دهد. این جمله چنین است: «خون او بر ما و فرزندان ما باد» (متی ۲۷: ۲۵). همچنین تنها اوست که درباره آن دروغ محضی که رؤسای کهنه یهود برای توجیه علت باز بودن مقبره ساخته بودند سخن می‌گوید: «شبانگاه شاگردانش آمده وقتی که ما در خواب بودیم او را دزدیدند» (متی ۲۸: ۱۱-۱۵).

نوشته‌های متی به طرز چشمگیری حاوی قسمتی از مشاجراتی است برعلیه یهودیت. یهودیتی ضد مسیحی که جامعه متی می‌بایستی در بسیاری موارد با آن روبه‌رو بایستد. فکر این حقیقت برای تعیین تاریخ و خاستگاه انجیل اول اهمیت بسیاری دارد. سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی ضربه مرگ باری بر معبد و قوم صدوقیان که کهنات آن را عهده‌دار بود وارد آورد. در سالهای ۸۰-۹۰ زندگی مذهبی در استانها تحت تأثیر جنبش فریسیان از نو سازمان یافت. اول شهر یامنیا در ساحل دریای مدیترانه و سپس طبریه در کنار دریای جلیل به صورت مراکز جدید یهودیت درآمدند (این موضوع را در صفحات بعدی از سر خواهیم گرفت). جوامع یهودی جلیل و سوریه مشعلی را که از دستهای شورشی اورشلیم رها شده بود به دست گرفتند. در نتیجه آنها با جوامع مسیحی که خود در اصل یهودی بوده و در این نواحی مستقر بودند رودرو شدند. متی قدیس در انجیل خود از وجود این زمینه بی‌اعتمادی و تضاد اظهار تأسف می‌کند و توجه را به طور مداوم به سوی این مسایل معطوف می‌دارد.

جامعه‌ای که سابقه داشته است

اگر انجیل متی حقیقتاً در یک گروه یهودی مسیحی، در سالهای ۸۰-۹۰ نوشته شده است. پس این اثر اثری می‌باشد متعلق به جامعه‌ای که حدوداً ۴۰ سال از موجودیت آن می‌گذشته است.

در اثر متی این یختگی به خوبی مشاهده می‌گردد: چه در شیوه روایات که اندکی متحدالشکل بوده و دارای طرح ساده و موجزی می‌باشد، به طوری که آن را گاهی خاص آیین عبادت توصیف کرده‌اند، و چه در سازمان جامعه مربوطه که در آن ذوق تساوی‌گرایی مربوط به دوران نخستین دیگر قدری محو شده بود. در این جامعه بزرگان به تحقیر مسکینان گرایش

داشته و رهبران آنها در امر حفظ اتحاد مابین اعضای مختلف جماعت کوچک مسیحیان نقش بس دشواری ایفا می کردند (ر. ک باب ۱۸).

شریعتی که عیسی، این موسی جدید، در آغاز موعظه خود بر فراز کوه (بابهای ۵ و ۷) حکم بر آن می کند ادامه محتوای شریعت موسی می باشد. با استقرار خود در سنت پدران اعظم او همانند تمام استادان چنین اعلام می دارد: «شما آن چیزهایی را که قدیمیان گفته بودند آموخته اید اینک من به شما می گویم...». این شریعت قانون اساسی کلیسا یا امت جدید خدا می باشد، امتی که طبق انجیل متی سرنوشت ازلی را که به قوم اسرائیل واگذار شده بود به ارث می برد.

جامعه متی گروهی از یهودیان است که به مسیحیت گرویده اند. ظاهراً نگارنده انجیل نیز یکی از آنها بوده و بدون تردید در رأس آنها قرار دارد. او که طبق تعالیم کلاسیک یهود پرورش یافته بود بدعت بنیادی پیام عیسی بر وی چنان مؤثر واقع شد که او خود منادی آن شد. به علت این که خود وی از جامعه یهودیان خارج شده بود مقابله او با آن جماعت شدت و حدت بیشتری داشت. در بعضی موارد خاتمه خطابه، مثلها را به عنوان امضاء انجیل اول که بی دلیل هم نیست به حساب می آورند:

«بنابراین هر کاتبی که در ملکوت آسمان تعلیم یافته است مثل صاحبخانه ای است که از خزانه خویش چیزهای نو و کهنه بیرون می آورد» (متی ۱۳: ۵۲).

شورای عالی یهود در یامنیا

در اواخر بهار سال ۷۰ میلادی لشکریان رومی اورشلیم را تحت محاصره درآوردند و متجینق ها را برای ویران کردن دیوارها و برجها در نقاط مناسب مستقر کردند. غروب یکی از روزها سربازان پیرمردانی را مشاهده کردند که درحالی که تابوتی را حمل می کردند از دروازه شهر خارج شدند. آنها بار خود را در پای دیوار قرار داده آن را با قدری خاک پوشاندند و به داخل شهر برگشتند. رومیان متعجب شدند اما اضطرابی به دل راه نداده آنها را به حال خود وا گذاشتند.

شب هنگام ربی یوحنا بن زکی از تابوت خارج شد. او از میان قراولان به آهستگی عبور کرد و صبح روز بعد خود را به رئیس لشکریان مشرک معرفی کرده مقام امپراتوری را برای وی پیشگویی کرد و به دنبال آن آنچه را که طالب بود به دست آورد و آن اجازه افتتاح مدرسه ای جهت تعلیم شریعت خدا بود.

این است آنچه کتاب تلمود نقل می نماید. این نقل بی شک داستانی بیش نبوده ولی در نوع خود سرشار از معنا می باشد. هرگاه انسان می اندیشد که همه چیز مرده است یا خواهد مرد، شاید دست کم یک فرد زنده موجود باشد، وقتی که گمان می رود که دشمن همه چیز را از بین خواهد برد این امیدواری باقی است که شاید چیزی را زنده باقی بگذارد و زندگی کردن برای یهودیان به منزله آموختن است.

یوحنا پسر زکی همانند شماری از هم ردیفانش کاهن بود و چون تنها نبود از آغاز قیام برعلیه روم به علت این که فکر می کرد قوم اسرائیل به اندازه کافی پاک نمی باشد خود را برای بدترین موقعیت ها آماده کرده و به اراده خدا امید بسته بود. از این رو می فهمیم که چرا او از شهر مقدس خارج شد و تا فرا رسیدن زمان بازسازی خود را مخفی نمود.

روحیه يك اصلاح

یوحنا می دانست چه انتظاری را از معبد داشته باشد. او می دانست که زندگی برادران او در تبعید از زندگی آنهایی که در اورشلیم هستند بدتر نمی باشد. او می توانست به یکی از کوچکتران خود بگوید: فرزند من، غمگین مباش، زیرا به غیر از معبد وسیله دیگری در دست داریم تا به جزای گناهان خود برسیم و آن عدالت و رأفت است، چون چنین نوشته شده است: «زیرا رحمت را پسند کردم و نه قربانی را» (هو ۶:۶).

مطالعه

یوحنا در شهر یامنیا (نام کنونی آن «یامنه» یا «یاونه» می باشد و در جنوب تل آویو واقع است) شهری مرفقی در دشت فلسطین که خوشبختانه از آسیب جنگها و تبردها مصون مانده بود، مستقر بود.

تعلیمات آغاز گردید. شهرت استادان و فراوانی دانشجویان چنان بود که مدرسه بدون هیچ گونه مخالفتی نام مدرسه «سان ادرین ها» را به خود گرفت. در عین عزاداری خوشحالی هم پیش می آید و در ذلت و خواری نیز آزادیهایی وجود دارد مثل سعادت یافتن نمادهای نهفته در نوشته های مقدس، شهادت در تأکید بر محبت خدا نسبت به امت خود در تمام احوال، و مهارت و زرنگی در ساختن مثلها. وجود این آزادی نفس، چیزی را از احترام شدید و دقیق نسبت به شریعت و رسوم و عادات نمی کاست. انسان بر جسم غالب می شد تا روح را آزاد نماید. اما او این کار را همراه با شادی که یک محبت صادقانه و پرتوان به همراه دارد انجام می داد، چه اطاعت از کوچکترین احکام خدا به معنای متحد شدن با او بود در بی انتهایی عظمتش.

تعلیم به مردم

استادان یامنیا که از شاگردان خود توقعاتی داشتند کوشش می کردند تنوع اوضاع انسانی را در نظر بگیرند.

آیا آنها می بایستی خود را برای داوری انسانهای بیچاره آماده کنند؟ آنها می توانستند فقط حداقل را خواستار شوند (مثلاً در موضوع طلاق آنها تعابیر جامع شریعت موسی را اختیار کردند) اما برای توجیه ادعاهای خوشبخت ترین افراد، معرفت گفتن این را داشتند که «قاعده مدل این است که از حد قاعده مدل بگذرد» یعنی اعمال به وجه باز هم بهتری انجام گیرد.

نیایش

نیایش مخصوص قربانی ها بود (مز ۴۹-۵۰). آیین عبادت آیین عبادت مربوط به اعیاد بوده و طبق قاعده خاصی برگزار می شده است. از آن زمان تاکنون به جز اضافه شدن چند مطلب مکمل، تغییری در آن حاصل نشده است.

به عاریت گرفتن چند رسم از رسوم عمومی متداول در معبد به آیین عبادت کنیسه ها یک خاصیت جشن و شادی و هیجان بخشیده است. آنچه را که ما شاید می توانستیم، شبه آیین عبادت بنامیم از اورشلیم به تمام شهرهای حاشیه ای که تبعیدگاه یهودیان بود منتقل شد.

مرزهای یهودیت

قوم اسرائیل جز شریعت و رسوم مذهبی نکته مشترک دیگری نداشتند که بتواند آنها را گرد هم جمع نماید و لازم بود که این نکته کاملاً روشن شود. لازم بود که در تباین با آزادی سالهای قبل نظم و ترتیب باطنی برقرار گردد. «فهرست رسمی کتاب مقدس» عبرانی در تمامی بخشها منجمله کتب حکمتی که در مورد آنها تردیدهایی باقی مانده بود به طور قطعی تثبیت گردید.

در طی سالهای بعد، متخصصان دستور زبان به منظور ثابت نگه داشتن کامل متن، آن را با «دیواری» از تفاسیر احاطه کردند.

«مقررات مفسران» برقرار شد. درحقیقت آنها قابل انعطاف و دقیق هستند ولی یکی از میان آنها بر دیگران حکم می کند و آن این است: در موقع مشاجره طرفین باید عقیده اکثریت پذیرفته شود.

«پرسنل ربانی» بنیان نهاده شد (ر. ک به مقاله «ربی»)

«لعنت رسمی» برعلیه «ناصریان، فرقیون و مغروران» به تبرکات کنیسه افزوده شد. زمانی که یهودیان و مسیحیان گرد هم می آمدند آنها نسبت به هم احساس دشمنی می کردند و هیچ کس نمی تواند بگوید راه دیگری امکان پذیر بوده است.

به تمام ملل (امت‌ها)

انجیل متی انجیل ایماندارانی است که از یهودیت بیرون آمدند. ایمان جدید آنها به عیسی، آنان را واداشت تا نسبت به رفتار خود و نسبت به «کافران» تجدید نظر نموده و مشیت خدا عیسی مسیح را درباره ملل «بت پرست» کشف نمایند. این داستان داستان یک راه طولانی ای است که انجیل اول به آن شهادت می‌دهد.

از اورشلیم تا جلیل

جامعه متی دیگر در اورشلیم سکنی ندارد و به نظر می‌رسد که این وضعیت بر الهیاتی که به وجود آورده اند اثر گذاشته باشد. کافی است اولین صفحات انجیل را، صفحاتی را که مربوط به طفولیت عیسی می‌باشد به طور سطحی مرور نماییم تا این مطلب را کاملاً درک نماییم. سرزمین یهودیه و پایتخت آن اورشلیم که برای یهودیان سرزمین نجات به شمار می‌رفته برای عیسی کودک سرزمین خطر گشته است. هیرودیس که بیشتر شبیه قراعه می‌باشد در این سرزمین کار مرگ را پیشه ساخته است. انعکاس بینش در این امر به اوج خود می‌رسد که مصر سرزمین بردگی اجداد قوم اسرائیل اکنون به طور موقت برای عیسی کودک سرزمین نجات می‌شود. و موقعی که والدین وی به مصر برمی‌گردند، در یهودیه مستقر نمی‌شوند بلکه به جلیل و همان طوری که متی قدری دیرتر با نقل قول از اشعیا نبی آن را «جلیل امت‌ها» خواهد نامید (متی ۴: ۱۵)، می‌روند.

از کنیسه تا کلیسا

بدین ترتیب زمینه از آغاز طفولیت عیسی مشخص گردیده است، نقش اصلی اورشلیم یعنی نجات، از اذهان زدوده شده است چون این امر صحنه ای است مربوط به گذشته. اما آینده نیز در صحنه پرستش مجوسیان، افرادی که از آن سر دنیا آمده اند، نمایانده شده است. آیا این صحنه نمادگر مقیاس جهانی نجاتی نمی‌باشد که عیسی به همراه آورده است؟ جامعه متی در سرزمین سوریه یا در فنیقیه زندگی می‌کند. این جامعه در سوگ اورشلیم و نهادهای یهودی آن که در سابق هنوز توسط اعضای آن به عنوان نهادهای اصلی طرح خدای شناخته می‌شد، نشستند. بسیاری از چیزها به این امر کمک نمود. سقوط معبد در سال ۷۰ میلادی می‌بایستی به صورت تحقق تهدیدهای عیسی به نظر آید. با تحقق بخشیدن به شریعت، عیسی آنها را که به وی رو می‌آوردند از شریعت دور می‌کند.

در زمان انجیل متی یعنی در حدود سالهای ۸۵ میلادی جامعه یهود و جامعه مسیحیان نسبت به یکدیگر استقلال یافته بود. علت این امر را می توان در روش سخن گفتن متی از عیسی که در کنیسه های «آنها» تعلیم می دهد جستجو کرد که دلالت بسیار واضحی است بر این امر که او دیگر مثل زمان سابق بین آنها و مسیحیان هیچ رابطه ای مشاهده نمی کند (متی ۲۳:۴ و غیره).

یهودیان برای جبران بحران حاصله از سقوط معبد مذهب خود را توسط مکاتب ربانی بر شریعت و سنت متمرکز می سازند و مسیحیان خارج شده از یهودیت از این به بعد متقاعد می شوند که کلیسا برتر از کنیسه بوده و ملکوت آسمانی اکنون به دست کلیسا سپرده شده است.

انجیل برای ملتها

فریسیان همیشه در اندیشه نجات ملتها بوده اند. آیا آنها نبودند که در جستجوی مریدان، بر و بحر را زیر پا گذاردند؟ اما این نجات از میان وابستگی کم و بیش قوی نسبت به امت یهود که نقش آن در جامعه متی به عنوان نقش اصلی محسوب می شد می گذشت. جامعه متی هنوز زمانی را به یاد می آورد که قوم اسرائیل سهم متمایزی را در فرا رسیدن ملکوت خدا صاحب بود. آیا عیسی با فرستادن رسولان خود چنین اعلام نمی کند: «از راه امتها مروید و در بلدی از سامریان داخل شوید. بلکه نزد گوسفندان گمشده اسرائیل بروید و چون می روید موعظه کرده گوید که ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۱۰:۵-۷)؟ این صحبت ها به حدی با قطعات دیگر انجیل متی متناقض می باشند که درک آنها بسیار مشکل است. اما آنها این امتیاز را دارند که به خاطر بیاورند که مسیحیان خارج شده از یهودیت از کدام مرحله نخستین گذر کردند تا به جهان گرایی رسیدند. عیسی انجیل متی در طول زندگی خاکی خود از قلمرو یهود خارج نمی شود. او فقط به خاطر گوسفندان گمشده قوم اسرائیل فرستاده شده است (متی ۱۵:۲۴).

اگر امر به همین حال باقی می ماند بدون شک کلیسا هیچ گاه به وجود نیامده بود اما از همان زمان آغاز یک دگرگونی در بینش پدیدار می گردد. یک فرد «بت پرست» ایمانی را از خود نشان می دهد که مثل آن در اسرائیل یافت نمی شود (متی ۸:۱۰) و عیسی از او نمی خواهد که از وی پیروی نماید. آیا این علامت آن نیست که با ظهور عیسی شرایط ورود به ملکوت تغییر کرده اند؟ بنابراین از هشدار وی که بعد از مثل تاجران آدمکش می آید متعجب نخواهیم شد، او چنین اعلام می کند: «ملکوت خدا از شما گرفته شده به امتی که میوه اش را بیاورد عطا خواهد شد» (متی ۲۱:۴۳). این است آن چیزی که جامعه مسیحی از

سخنان متی کشف می نماید. این جامعه که از طبقه ای خارج شده است که در آن امت یهود در فرا رسیدن ملکوت آسمانها نقش ممتازی را دارا بوده است اکنون کشف می کند که به دست آوردن ملکوت از این به بعد به کلیسایی سپرده شده است که در آن یهودیان و غیریهودیان درهم می آمیزند: «بروید و همه امتها را شاگرد سازید» (متی ۲۸: ۱۹).

تعلیم دادن به امتها و تعمید دادن آنها به معنای قبول این امر است که بدون این که آنها به اورشلیم قدم بگذارند یا به عضویت امت منتخب درآیند ملکوت آسمانها می تواند به آنها نزدیک شود.

از این دیدگاه اهمیت این واقعه که عیسی در جلیل ظاهر می شود بسیار است. جلیل، سرزمین امتها، نقطه آغاز ترویج انجیل می گردد. برای دوباره پیمودن راهی که ایمانداران خارج شده از یهودیت را به سوی جهانی بودن نجات عیسی هدایت می کند صلاح در این است که بدعت متی نسبت به لوقا مورد سنجش قرار گیرد. انجیل لوقا که بت پرستان را مخاطب قرار می دهد «طبیعتاً» جهانی گراست اما انجیل متی بیشتر بر مراحل برگشت به سوی خدا که بعضی از مسیحیان نخستین خارج شده از یهودیت می بایستی در راه مسئله نجات امتها عمل می کردند تأکید می کند.



در این دو مجسمه تضاد مابین کنیسه و کلیسا دیده می شود، بر طبق متی که انجیلش را برای یهودیان می نوشت. دیگر انجیل نگاران با این طرز تفکر زیاد موافق نبودند.

متی کیست؟

ما جامعه‌ای را که از میان صفحات اولین انجیل نمودار می‌شود شناسانیدیم و چندین مسئله از مسایل آن را نیز خاطر نشان ساختیم اکنون می‌توانیم از خود سؤال کنیم که نگارنده همه اینها که بوده است؟

متی رسول

جواب این سؤال به نظر روشن است: سخن درباره متی است که یکی از دوازده شاگرد بوده و باجگیر با سابقه‌ای می‌باشد.

اگر انجیل وی در فهرست اناجیل در ردیف اول جای دارد بدین دلیل است که این اثر، اثر شاگردی که مانند لوقا و مرقس بعد از «گذر» به ایمان رسیده اند نمی‌باشد بلکه اثر یک شاهد عینی است.

دلیل دیگرش این است که این انجیل اولین انجیلی بود که نگاشته شد.

پایاس، اسقف شهر هیراپولیس واقع در آسیای صغیر، حدود سالهای ۱۳۰ میلادی چنین می‌نویسد: «متی سخنان عیسی را به زبان عبری جمع‌آوری نمود و هر یک از آنها را برحسب توانایی خود مورد تفسیر قرار داد».

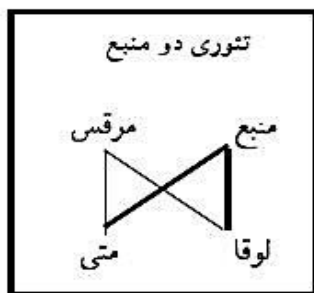
ایرنه، اسقف شهر لیون، که در سال ۲۰۲ میلادی فوت نمود به‌طور واضح‌تر سخن می‌گوید، او تأکید می‌کند که: «متی انجیلی را به زبان عبری زمانی انتشار داد که پطرس و پولس در روم موعظه می‌کردند و کلیسا را در آنجا بنیان می‌گذاشتند».

نسبت دادن نگارش اولین انجیل به متی بدون برپا کردن هیچ مسئله‌ای تا اواخر قرن نوزدهم ادامه داشت. شکی نیست که این اثر امضایی ندارد و فقط «سنت»، متی را به عنوان نگارنده آن مشخص نموده است: اما درباره شهادت وی همه متفق القولند. به علاوه چرا می‌باید تحریر این اثر به شخصیتی رنگ باخته نسبت داده شود: چون کسی درباره متی چیزی نمی‌داند و در انجیل چهارم نیز از او اسمی برده نمی‌شود. در اناجیل تحریفی به منظور قبولاندن محتوای آنها ادعا شده است که این اناجیل توسط رسولان طراز اول مانند پطرس، توما، فیلیپس... نگاشته شده‌اند.

آیا چنین اطمینانی حاصل است؟- با این حال این نسبت دادن‌ها مشکلاتی چند به بار می‌آورد یکی از آنها مشکلی است که اهمیتش جزئی می‌باشد. انجیل اول تنها انجیلی است

که متی رسول را با باجگیری که عیسی وی را دعوت به پیروی از خود می کند یکی می داند (متی ۹: ۹-۱۳ و ۱۰: ۳) لوقا این باجگیر را لاوی می نامد (لو ۵: ۲۷-۳۲). مرقس این نام را دقیق تر می نماید و بر او نام لاوی ابن حلفی می گذارد (مر ۲: ۱۳-۱۷) و در بعضی از متون دست نوشته نام وی «یعقوب ابن حلفی» ذکر شده است. دلیل این اختلافات چیست؟ در اینجا است که باید به نادانی خود اقرار نماییم.

در اواخر قرن نوزدهم به ویژه، چهره سنتی متی به علت بررسی درباره آنچه که «مسئله اناجیل نظیر» نامیده شد مورد تردید قرار گرفت چون آنچه که مورد بررسی می باشد این است که «کی از کی تابعیت می کند؟» همواره برحسب سنت گفته می شد: متی اول است و لوقا و مرقس تابع وی می باشند. اما بعداً به وضوح آشکار شد که متی و لوقا تابع مرقس بوده اند و در عین حال هر دو به منبع دیگری که حاوی سخنان عیسی بود مراجعه می کردند. این تئوری که به تئوری «دو منبع» معروف شد به صورت فرضیه ای بیش باقی نمانده است ولی با این حال مورد قبول بیشترین مفسران می باشد.



جدیداً تئوری دیگری توسط یکی از دانشمندان پیشنهاد شده است که در آن فرض می شود که سه یا چهار سند ابتدایی تر اساس اناجیل ما را تشکیل می دهند، متی در این تئوری هم اول نیست. از طرف دیگر اگر هم این تئوری سنتهای آرامی یا عبری را منعکس می کند، انجیل متی از نظر زبان شناسان نمی تواند برگردان یک متن آرامی باشد. و بالاخره چون متی به ویرانی معبد و به نهضت یهودیت بعد از این فاجعه اشاره می نماید تاریخ نگارش این انجیل می بایستی سالهای ۸۰ تا ۹۰ میلادی باشد.

نگارنده اولین انجیل کیست؟

چون یافتن نام این نگارنده امکان پذیر نمی باشد می توانیم کوشش نماییم تا از روی اثرش به شخصیت وی پی ببریم. دیده ایم که انجیل اول از سه انجیل نظیر یهودی تر می باشد

بنابراین، این وسوسه بیش می‌آید که نگارش این انجیل را به یک فرد یهودی مسیحی نسبت دهیم اما او بیش از همه «ضد یهود» می‌باشد. یکی از دانشمندان یهود در اورشلیم بر این عقیده است که ضد یهودیت ابتدایی نیز وجود داشته است. او غیرقابل تصور می‌داند که یک یهودی قدیمی حتی هم اگر به عیسی ایمان آورده باشد بتواند مطالب را این چنین بیان نماید. ولی همچنین می‌دانیم که ایمان‌آوردگان در بعضی موارد نسبت به آنچه که قبلاً «مورد محبت» آنها بوده است سرسختانه مخالفت می‌ورزند.

همچنین می‌توان چند نگارنده را برای انجیل متی متصور شد یعنی فرض نمود که نگارش متن اولیه توسط یک فرد یهودی مسیحی انجام گرفته و توسط فرد دیگری، برخاسته از میان بت پرستان، از سر گرفته شده باشد.

این مسئله که به صورت بحث‌انگیز باقی می‌ماند، مسئله‌ای است جالب توجه اما در درجه دوم اهمیت. ما این متن را نه به خاطر این که توسط این یا آن نویسنده نگاشته شده است بلکه به سبب این که کلیسا گویی با اعطای مژده حقیقی درباره عیسی آن را به ما ابلاغ می‌نماید به عنوان «انجیل» مورد قبول قرار می‌دهیم.



مینیا تور ارمنی سال

۱۲۸۷.

با توجه خاص بر

عهد قدیم، متی انجیل

خود را به نگارش

درمی‌آورد.

راهنمایی برای مطالعه انجیل متی

هیچ کس ادعا نمی کند که می تواند «طرح» انجیل متی را مشخص نماید، چه کسی از آن آگاه است؟ بررسی های زیاد و متفاوتی که پیشنهاد شده است این کار را آسان می نماید. مزیت این راهنما در این است که بر چند تحقیق استوار بوده و به ویژه از سادگی خاصی برخوردار می باشد: حتی اگر متی آن را به این صورت پیش بینی نکرده بود این راهنما تشخیص ترتیب این اثر را تسهیل می نماید.

چند دلیل

پنج خطابه- پس از انداختن یک نظر سطحی وجود پنج خطابه بزرگ ما را به تعجب وامی دارد:

- خطابه بر فراز کوه (بابهای ۵-۷)؛
- مأمور کردن دوازده تن (باب ۱۰)؛
- خطابه به صورت مثلها (۱۳:۱-۵۲)؛
- مقررات جامعه (باب ۱۸)؛
- خطابه درباره آخر زمان (بابهای ۲۳-۲۵).

این مطلب اتفاقی نیست و متی خود آن را اقرار می نماید. او هر یک از خطابه های خود را با چنین جمله ای خاتمه می دهد: «چون عیسی این سخنان را (یا دستورات صریح خود، مثلای خود را...) پایان داد»

او... «۷:۲۸، ۱۱:۱، ۱۳:۵۲، ۱۹:۱، ۲۶:۱» و در آخرین دفعه او حتی چنین تصریح می نماید: «و چون عیسی همه این سخنان را به اتمام رسانید...» پس ما در انجیل متی به مثابه شریعت موسی که شامل پنج کتاب است با پنج خطابه مواجه می شویم. اگر بابهای ۱ و ۲ را که نوعی مقدمه الهیاتی برای تمام انجیل می باشد کنار بگذاریم این پنج خطابه مذکور، شش مجموعه نقلی را که شامل روایات و سخنان عیسی می باشد از هم جدا می کنند (ر. ک به شکل زیر)

خطابه	۷-۵	۱۰	۱۳، ۱-۵۲	۱۸	۲۴-۲۵
مجموعه نقلی	۴-۳	۹-۸	۱۲-۱۱	۲۷، ۱۷-۵۳، ۱۳	۲۳-۱۹
					۲۸-۲۶

آیا پیوندی بین خطابه های بزرگ و مجموعه های تقلی وجود دارد؟ در حداقل یک مورد متی این پیوند را به وضوح برقرار می سازد: او همان یک جمله ای را که در آغاز خطابه بر فراز کوه ذکر می شود (متی ۲۳: ۴) و در آخر مطلبی که به دنبال آن می آید قرار دارد (متی ۲۵: ۹) همواره تکرار می کند «عیسی در تمام جلیل (یا در تمام شهرها یا روستاها) می گشت و در کنایس ایشان تعلیم داده و به بشارت ملکوت موعظه می نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا می داد». این واقعه که همین یک جمله تکرار می شود (که آن را «ضمیمه» می نامند) نشان می دهد که آنچه بین دو چیز «ضمیمه شده» است به یک مطلب کل شکل می بخشد.

مطلب در اینجا کاملاً روشن است: متی می گوید: «عیسی موعظه می کرد و شفا می داد» و در بابهای ۵-۷ خطابه روی کوه و در بابهای ۸-۹ یک سلسله از ده معجزه تشریح می شود. پس در اینجا خطابه و مجموعه تقلی که به دنبال آن می آید یک مطلب کل را تشکیل می دهد. می توان فرض کرد که این رویه برای بقیه انجیل نیز صادق است.

دو روایت انتقالی - دو قطعه: یکی در آغاز (متی ۳: ۴) و دیگری در وسط انجیل (۱۶: ۱۳-۲۷) به هم پیوند می خورند و یک نقش انتقالی را ایفا می نمایند. یک فرمول تکراری که در جای دیگر مشاهده نمی شود به دو جمله متوالی درباره مأموریت عیسی شکل می بخشد: «از آن هنگام عیسی به موعظه شروع کرد و گفت ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۴: ۱۷) و «از آن زمان عیسی به شاگردان خود خبر داد که او باید متحمل آزار و رنج شود» (متی ۱۶: ۲۱). در یک مورد عیسی خطاب به همه موضوع اصلی موعظه خود را که ملکوت خدا (یا همان طوری که متی معمولاً می گوید «ملکوت آسمانها») می باشد اعلام می دارد و در مورد دیگر او شاگردان را مخاطب قرار داده آنها را برای روبه رو شدن با رنج و شکنجه خود آماده می سازد.

به علاوه این امر نیز قابل توجه می باشد که در این دو قطعه مقام عیسی یعنی «پسر» (ذکر شده توسط صدای آسمانی به موقع تعمید) یا «مسیح» (به عقیده شاگردان که توسط پطرس بازگو می شود) اعلام می گردد. در هر دو مورد عیسی به وسیله شیطان یا به وسیله پطرس که عیسی وی را «شیطان» می نامد در معرض وسوسه قرار می گیرد.

يك موضوع اصلی

ملکوت خدا - تمام دنیا در بازشناسی این که موضوع اصلی خطابه عیسی «فرا رسیدن پادشاهی (یا ملکوت) خدا» است در توافق می باشد و متی بر این امر تأکید خاص داشته نشان می دهد که این ملکوت چگونه هم اکنون در کلیسا ظاهر می شود. با در نظر داشتن این چند ملاحظه می توان طرح احتمالی اولین انجیل را مجسم نمود. بیاورد قبل از بررسی نکات این طرح آن را از نظر بگذرانیم.

مقدمه: آشنایی به راز عیسی (۲:۱)

قسمت اول- عیسی پادشاهی خدا را به همه
بشارت می دهد و کلیسا را آماده
می سازد (۱۶:۳)

رابطه: پدر پسر خود را که تحت وسوسه
شیطان است اعلام می دارد (۴:۳)

- ۱- ملکوت خدا فرا رسیده است (۹:۵)
عیسی آن را به ترتیب زیر ظاهر می سازد:
 - به وسیله سخنان خود: موعظه بر فراز کوه (۷-۵)
 - به وسیله اعمال خود: انجام ده معجزه (۹-۸)

- ۲- عیسی شاگردان خود را برای وعظ به
اطراف می فرستد. خود نیز جهت بشارت
ملکوت خدا مزیمت می کند (۱۲-۱۰)
 - خطابه فرستادن برای مأموریت (۱۰)
 - عیسی در حال انجام مأموریت (۱۲-۱۱)

- ۳- انتخاب قطعی در مقابل موعظه ملکوت
(۱۲:۱۶-۱۱:۱۳)
 - خطابه شامل ۷ مثل (۱۳:۱-۵۲)
 - به سوی اعتراف پطرس (۱۳:۵۳-۱۶:۱۲).

قسمت دوم: عیسی کلیسا را جهت ایفای
نقش در ملکوت خدا آماده می سازد
(۲۸:۱۷)

رابطه: کلیسا خداوند خود را اعتراف
می کند و آن به وسوسه می اندازد
(۲۷:۱۷-۱۳:۱۶)

- ۴- ملکوت خدا از امت یهود به کلیسا
منتقل می شود (۲۳-۱۸)
 - خطابه «قاعده اجتماع» (۱۸)
 - از جلیل به اورشلیم (۱۹-۲۳)

- ۵- افتتاح قطعی ملکوت خدا در رویداد
«گذر» (۲۸-۲۴)

- خطابه مکاشفه ای: فرا رسیدن نهایی
ملکوت خدا در عیسی (۲۵-۲۴)
- درگذشت و تکریم عیسی فرا رسیدن نهایی
ملکوت را افتتاح می نمایند (۲۶-۲۸)
- کلیسا برای بشارت به سرتاسر دنیای رود.

چند اندیشه در باره این طرح

عیسی در قسمت اول از مأموریت خود ملکوت خدا را اعلام می‌دارد. او باید این امر را خود انجام دهد زیرا که در ابتدای کار کاملاً تنهاست. اما از هم‌اکنون او شاگردان خود را که نطفه کلیسا را تشکیل می‌دهند مهیا می‌سازد. پدر است که او را به عنوان پسر اعلام می‌دارد و شیطان هم او را به وسوسه می‌اندازد.

عیسی در آغاز به وسیله سخنان و اعمال خود فرا رسیدن ملکوت خدا را اعلام می‌دارد. سپس او شاگردان را برای مأموریتی که در پیش دارند آماده می‌سازد و آنها را برای بشارت به اطراف و اکناف می‌فرستد. اما در واقع... این اوست که عزیمت می‌کند چون ارسال واقعی شاگردان برای انجام مأموریت فقط در صبح روز عید «گذر» بعد از رستخیز انجام می‌گیرد (۲۸: ۱۸-۲۰). متی خطابه‌ای را که شامل مثلهاست در انجیل در اواخر مأموریت عیسی در جلیل جای می‌دهد. بدین ترتیب این مثلها گویی آخرین ندای عیسی است خطاب به مستمعین خود تا آنها را وادارد که انتخاب خود را قبل از فرا رسیدن فصل درو (داوری نهایی) به انجام برسانند. و در همانجا عیسی با ارائه تعلیمات دینی مربوطه این مثلها را برای شاگردان تشریح می‌نماید. سپس قسمت دوم آغاز می‌گردد. توده مردم از عیسی پیروی نمی‌نمایند. مخالفت دشمنان شدیدتر می‌شود عیسی به خوبی احساس می‌کند که مرگ اجتناب‌ناپذیر است و بنابراین شاگردان را برای مواجه شدن با آن آماده می‌نماید و از آن به بعد خود را به ویژه وقف تعلیم دادن آنها می‌کند.

در ابتدا زمانی که عیسی تنها بود اعلام پسر بودن و نیز وسوسه‌ها از سوی پدر یا شیطان می‌آید. اما اکنون کلیسا در شخصیت شاگردان عیسی مستقر گردیده است همان کلیسا که ابتکار عمل را هم از دست پدر جهت اعلام هویت عیسی («تو مسیح هستی!»)، و متأسفانه هم از دست شیطان برای به وسوسه انداختن وی به دست می‌گیرد... در خطابه‌ای که گاهی «قاعده اجتماع» نامیده می‌شود (باب ۱۸) عیسی، «آیین نامه‌های قانون» خود، یعنی دستوراتی را که باید راهنمای رفتار و تصمیمات باشد که همه آنها در اعمال رحمت و بخشش خلاصه می‌شود، به کلیسا اعطا می‌کند.

سرانجام، عیسی در آخرین خطابه بزرگ خود (۲۴: ۲۵) فرا رسیدن آینده پادشاهی خدا را اعلام می‌دارد. متی سپس نشان می‌دهد که چگونه واقعه زجر و شکنجه و رستخیز این فرا رسیدن را تحقق می‌بخشد. این روایات اخیر ضمیمه‌هایی از انجیل نیستند بلکه نشان دهنده آنند که پادشاهی خدا در عیسای جلال یافته فرامی‌رسد. پیروزی به دست آمده است کاری که باقی می‌ماند، اگر بتوان چنین گفت، «اشغال زمین» می‌باشد که وظیفه کلیسا خواهد بود. عیسی شاگردان خود را برای انتشار پادشاهی خدا در جهان به اطراف می‌فرستد. در این وظیفه عظیم، از این به بعد تنها پشتگرمی آنها این است که بالاخره عیسی «عمانوئیل یعنی خدا با ما است» می‌باشد (۲۸: ۲۰).

در دعای صبحگاهی، قبل از «شَمْعَ اسرائیل» دعای تقدیس برای خالق نور (که در آغاز این فصل آورده شده است) ذکر می شود و در آن یهودیان ایمان خود را به خدای واحد و خالق یگانه جهان که امروز آنچه را که در آغاز خلقت کرده بود برای ما دوباره انجام می دهد بار دیگر بازگو می کنند و انسانها در پیوند با مخلوقات آسمانی، قدوسیت کسی را که جلالتش سراسر زمین را پر کرده است (مأخَذ «قدوس، قدوس، ما» اعلام می دارند. این تقدیس که در نور آغازین غوطه ور است به وسیله درخواست «نور جدید» یعنی نور رهایی مسیحایی که برداران یهودی، هر صبحگاه آرزوی آن را بیان می کنند خاتمه می پذیرد.

کنیسه نه تنها بارگاه دعا بلکه محل تعلیمات نیز هست. درواقع یادگیری تورات به صورت کتبی و شفاهی یکی از اولین تکالیف یهودیان است. خود دعا نیز از تعلیمات سرچشمه می گیرد.

زلزله و آخر زمان

عیسی در بین اعلام مربوط به آخر زمان زلزله ها را نیز اعلام می دارد (متی ۲۴: ۷؛ مر ۱۳: ۸؛ لو ۲۱: ۱۱). برای این که اعتقاد خود را قدری تغییر دهیم و خود را به این فکر واداریم که در انجیل منظور از زلزله یک پدیده طبیعت نبوده بلکه یک تجسمی است مکاشفه ای جهت یادآوری یک بحران در سطح روحانی، ما لغت *seismos* یونانی را به عوض این که همانند اغلب کتب مقدس به لغت «زمین لرزه» برگردانیم آن را کپی می کنیم.

مرقس و لوقا این کلمه را فقط در قطعات یاد شده به کار می برند در صورتی که متی آن را حتی به صورت افعال «زلزله زدگی» و «گرفتار زلزله شدن»، شش بار دیگر مورد استفاده قرار می دهد. به هنگام وقوع زلزله صلیب، مردگان از مرگ بر می خیزند (۵۱: ۲۷) و بت پرستان با مشاهده همین زلزله عیسی را به عنوان پسر خدا باز می شناسند (۵۴: ۲۷).

زلزله است که مقبره را در صبح روز گذر می گشاید و دشمنان با احساس آن «به لرزه درآمده» مثل مرده می گردند (۲: ۲۸ و ۴). ورود عیسی به اورشلیم در روز نخل همان طوری که شهر «متزلزل» و هیجان زده گواهی می داد ورود پیروزمندانه عیسی به آسمانها را اعلام می داشت (۱۰: ۲۱).

بدین ترتیب یکی از علایمی که برای باز شناختن آخر زمان پیش بینی شده بود به هنگام رنج و شکنجه و رستخیز عیسی تحقق می یابد.

بنابراین ملکوت خدا توسط این حادثه به طور قطعی آغاز می گردد ولی متی به ما اخطار می نماید که کلیسا باید در طی تاریخ خود همراه با این بحران مربوط به آخر زمان زندگی خود را بگذراند: این اتفاق «زلزله» در دریا (یا طبق انجیل مرقس و لوقا «طوفان») این موضوع را به ما یادآوری می نماید.